

بازاندیش در تقلب

لیلا شاعرا

معلم دینی و قرآن، منطقه ۱۷ تهران

تصویرگر: میثم موسوی

در راه بازگشت به خانه با خودم کلنجر می‌رفتم و اتفاق آن روز را با خودم مرور می‌کردم. (یکی از بچه‌ها آخر زنگ آمد و در گوشم گفت: خانم! سپیده در امتحان تقلب کرد!)

- آخر، قبل از امتحان به بچه‌ها گفته بودم: بچه‌ها! شما الان دو آزمون دارید، یکی از درس پیام‌های آسمان، و یکی هم از خودتان! ببینم چقدر امانتدار هستید! پس هر کس مراقب رفتار خودش باشد. دقت کنید که ناظر شما هیچ‌گاه از شما غافل نیست!

پس از گفتن این جمله تا پایان امتحان خودم را مشغول کردم. حالا، بعد از آنکه دانش‌آموز آمد و در گوشم آن حرف را زد مدام از خود می‌پرسیدم نکند بچه‌ها از اعتماد من سوء استفاده کرده‌اند؟ من در این ماجرا چقدر مقصراً بخانه هم که رسیدم در این فکر بودم که چه واکنشی نشان دهم. ذهنم تا یک هفته مشغول بود. در جلسه بعد بدون مقدمه از بچه‌ها خواستم نظرشان را در مورد تقلب بگویند. ماشه گفت: خانم ما که راضی هستیم، چه اشکالی دارد دوستمان از ورقه ما نگاه کند؟ زهرا گفت: نه خانم! با این کار حق من که زحمت کشیدم و درس خواندم ضایع می‌شود. زهرا گفت: تقلب دردی است! سپیده گفت: خانم! در خانه از ما انتظار نمره عالی دارند! اگر نمره ما کم شود ما را دعوا می‌کنند و توبیخ می‌شویم... من در ضمن صحبت بچه‌ها مطالب تکمیلی را عنوان می‌کردم: کسی که تقلب می‌کند اعتماد به نفسش پایین است. دروغ‌گو و غیر صادق است. چنین فردی به حقوق دیگران احترام نمی‌گذارد صحبت‌های مخالف و موافق بالا گرفت. سرانجام از بچه‌ها خواستم تحقیقی در مورد تقلب انجام دهند و به بقیه کلاس‌ها هم همین تکلیف را دادم. هفته بعد، سرکلاس‌ها، مطالبی را که بچه‌ها نوشته بودند، خواندم و بررسی کردم. در کلاسی که از آن‌ها امتحان گرفته بودم سپیده برخاست و گفت: خانم اجازه‌من می‌خوام یه چیزی بگم! اجازه دادم و گفتم: بچه‌ها لطفاً ساكت! گوش کنید! بچه‌ها سرپا گوش شدند.

سپیده گفت: من به اشتباهم پی بردم. خانم من آن روز ... خیال‌راحت شد... با این برنامه فعالیت بچه‌ها را به وضوح دیدم. وقتی دانش‌آموزان فرصت بازاندیشی و خودارزیابی داشته باشند به نتایج ارزشمندی خواهند رسید.

